



امام قلب عالم وجود و رهبر و مربی نوع انسان است

امام قلب عالم وجود و رهبر و مربی نوع انسان است، از این جهت، حضور و غیبت او تفاوتی ندارد. امام همواره افراد شایسته را هدایت می‌کند، اگرچه نتوانند امام را ببینند.

امام قلب عالم وجود و رهبر و مربی نوع انسان است، از این جهت، حضور و غیبت او تفاوتی ندارد. امام همواره افراد شایسته را هدایت می‌کند، اگرچه نتوانند امام را ببینند.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: خداوند امام زمان(عج) را تعیین کرده است تا در میان مردم باشد و به هدایت آنان بپردازد، ولی این مردم هستند که مانع ظهور آن حضرت می‌شوند؛ و هرگاه مردم برای حکومت واحد جهانی و الهی (که بر پایه عدالت واقعی و رعایت حقوق و حقایق، واقعیات و اجرای تمام احکام اسلامی استوار است) آمادگی کامل پیدا کنند، حضرتش آشکار خواهد شد. پس خدای مهربان، در عنایت و مهربانی کوتاهی نکرده، بلکه تقصیر مردم است که امام زمان(عج) غایب شده و ظهورش به تأخیر افتاده است؛ اما باید دانست که فواید وجود امام منحصر به راهنمایی‌های ظاهری ایشان-اگر در میان مردم می‌بود- نیست، بلکه وجود مقدسش از نظر «تکوین و تشریع» فواید دیگری نیز دارد که مهم‌ترین آن «واسطه فیض» بودن است، چراکه براساس دلیل‌هایی که در روایات به آن اشاره شده، اگر امام علیه السلام نباشد، رابطه عالم و آفریدگار جهان منقطع می‌گردد، زیرا تمام فیض‌های الهی به واسطه امام بر سایر مردم نازل می‌شود؛ و «بقیت الأرض بغیر امام لساخت...»

اساساً به واسطه وجود مقدس اوست که به عالم هستی فیض داده می‌شود و به واسطه او آسمان و زمین پابرجاست.

إِنَّ الْأُمَّةَ نَورَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (۲)؛

ائمه نور خدا هستند.

اگر ائمه نباشند دنیا تاریک است، منتها این را کسی می‌فهمد که ظلمت و نور را می‌شناسد.

إِنَّ الْأُمَّةَ هُمُ أَرْكَانُ الْأَرْضِ (۳)؛

اگر ائمه نباشند زمین بقا ندارد.

چون در آن صورت، خلقت بی‌هدف مانده و بقا معنایی نخواهد داشت.

أَنَّ الْأُمَّةَ هُمُ الْهَدَاةُ (۴)؛

ائمه هادیانند.

أَنَّ الْأُمَّةَ شُهَدَاءُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى خَلْقِهِ (۵)؛

اینها گواهانند، ناظر بر اعمالند.

اکنون هم امام زمان(عج) هدایت‌های جانبی برای افراد دارند؛ مثلاً در شرایط حساس که شخص می‌خواهد با تغییر روش زندگی منحرف شود، دادرسی می‌نمایند. روابط حضرت با افراد نیز برحسب کمالات روحی‌شان است و هرکس به قدر کمال خود می‌تواند این ارتباط را برقرار کند.

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

و بنا اثمرت الأشجار و أينعت الثمار و جرت الأنهار و بنا ينزل الغيث السماء»

به وسیله ما تمام درختان به ثمر می‍نشینند و میوه‍ها می‍رسند و رودخانه‍ها جاری می‍شوند و به وسیله ما باران از آسمان می‍بارد.

اساساً ائمه واسطه فیض بین خدا و خلق هستند. اگر خورشید عالمتاب می‍تابد و اگر نعمات بی‍شمار خدا بر خلق می‍رسد، همه به دلیل وجود مبارک امام علیه السلام است و خداوند به خاطر آنان دیگر موجودات را آفرید.

لولاک لما خلقت الافلاک»; اگر وجود نازنین پیامبر صلی الله علیه و اله نبود آسمان‍ها و زمین خلق نمی‍شدند!

انسان می‍خواهد با جهان بی‍نهایت در ارتباط باشد، او نیازمند اسبابی است تا بتواند ارتباط نزدیک‍تری با مبدأ برقرار کند. امامت تجلی عینی این ارتباط است، ارتباط انسان با ماوراء الطبیعه و ابدیت.

امیدبخشی: اصولاً وجود فرمانده لشکر در مقر فرماندهی، خون گرم و پرحرارتی را در عروق سربازان جاری می‍سازد و آنها را به تلاش بیشتر وامی‍دارد. حیات فرمانده، منشأ حرکت، تحول و نظم و آرامش است. در این میان، شیعه بنا به عقیده‍ای که به وجود امام زنده و حاضر دارد، هر چند او را در میان خود نمی‍بیند، اما خود را تنها نمی‍داند. او همواره انتظار بازگشت آن سفر کرده را دارد، انتظاری سازنده و سرنوشت ساز. این طرز تفکر، در زنده نگهداشتن امید در دل‍ها و وادار ساختن افراد به خودسازی باعث می‍شود آنها در آمادگی و مراقبت دائمی به‍سر برند. از آن‍سو، امام نیز به‍طور دائم مراقب حال پیروانش است و از چگونگی رفتار و کردار و گفتار آنها آگاه می‍گردد. (۶)

پاسداری از آیین خدا: طبق فرموده امام علی علیه السلام، هیچ‍گاه صفحه زمین، از قیام‍کننده با حجت و دلیل خالی نمی‍ماند، خواه ظاهر و آشکار باشد یا مخفی و پنهان، تا دلایل و اسناد روشن الهی ضایع نگردد و به فراموشی نگراید و مسخ و تحریف نشود. (۷)

در طول زمان، با دراز شدن دست مفسده‍جویان به سوی مفاهیم آسمانی، اصالت پاره‍ای از این قوانین از میان می‍رود و دست‍خوش تغییرات زیان‍بخش می‍شود. این نور پرفروغ با عبور از شیشه‍های ظلمانی افکار تاریک کم‍رنگ و کم‍رنگ‍تر می‍شود، اما سینه امام و روح بلندش صندوق آسیب‍ناپذیر حفظ اسناد و آیین الهی است که همه اصالت‍های نخستین و ویژگی‍های آسمانی این تعلیمات را در خود نگهداری می‍کند تا دلایل الهی و نشانه‍های روشن پروردگار باطل نشود و به خاموشی نگراید.

نفوذ روحانی و تکوینی: امام علاوه بر تربیت تشریعی که از طریق گفتار، رفتار و تعلیم و تربیت عادی صورت می‍گیرد، یک نوع تربیت روحانی و معنوی در دل‍ها و فکرها دارد که می‍توان آن را«تربیت تکوینی» نامید. در آن‍جا الفاظ، کلمات، گفتار و کردار کار نمی‍کند، بلکه تنها جاذبه و کشش درونی کارگر است. در حالات بسیاری از پیشوایان بزرگ الهی می‍خوانیم که گاه بعضی از افراد با یک تماس مختصر با آنها به کلی تغییر مسیر داده و سرنوشت‍شان یکباره دگرگون می‍شد. اینها نتیجه تعلیم و تربیت عادی نیست، بلکه جذبه‍ای ناخودآگاه است که گاهی از آن به«نفوذ شخصیت» تعبیر می‍کنند.

امام با اشعه نیرومند و پردامنه نفوذ شخصیت خود، دل‍های آماده را در نزدیک و دور تحت تأثیر جذبه خاص قرار داده و به تربیت و تکامل آنها می‍پردازد و از آنها انسان‍هایی کامل‍تر می‍سازد. (۸)

هدایت معنوی امام: آری، امام قلب عالم وجود و رهبر و مربی نوع انسان است، از این جهت، حضور و غیبت او تفاوتی ندارد. امام همواره افراد شایسته را هدایت می‍کند، اگرچه نتوانند امام را ببینند، به ویژه این‍که در اخبار وارد شده است که آن حضرت در میان مردم و در مجالس مؤمنان رفت و آمد دارد، اگرچه مردم او را نشناسند. (۹)

بنابراین، پاسداری امام از دین و دستگیری از مردم شایسته در زمان غیبت به خوبی انجام می‍گیرد. درحقیقت، امام همانند خورشید پنهان پشت ابر است که از نور و حرارتش، موجودات، بهره

می‌برند؛ گرچه نادانان و کورچشمان، آن را نبینند.

امام صادق علیه السلام در پاسخ کسی که پرسیده بود:«« چگونه مردم از امام غایب استفاده می‌کنند؟» فرمودند:«« به همان‌گونه که از خورشید، وقتی که ابر آن را می‌پوشاند. (۱۰)

گفتار یکی از مستشرقان ؛ هانری کربن، استاد فلسفه در دانشگاه سوربن (فرانسه) و رئیس انیستیتو فرانسه و ایران در این‌باره شنیدنی است:

«« به عقیده من مذهب تشیع، تنها مذهبی است که رابطه هدایت الهی را میان خدا و خلق برای همیشه نگهداشته و به‌طور مستمر، پیوستگی ولایت را زنده و پابرجا می‌دارد. مذهب یهود، نبوت را که رابطه‌ای است واقعی میان خدا و عالم انسانی، در حضرت کلیم ختم کرده و پس از آن به نبوت حضرت مسیح و حضرت محمد صلی الله علیه و اله اذعان نکرده است، در نتیجه، رابطه مزبور را قطع می‌کند.

نصاری نیز در حضرت مسیح متوقف شده‌اند و اهل سنت از مسلمین هم در حضرت محمد صلی الله علیه و اله ایستاده‌اند و با ختم نبوت در ایشان، دیگر رابطه‌ای میان خالق و مخلوق برقرار نمی‌دانند.

تنها مذهب تشیع است که معتقد است نبوت با حضرت محمد صلی الله علیه و اله ختم می‌شود، ولی ولایت که همان رابطه هدایت تکمیلی است بعد از آن حضرت و برای همیشه زنده می‌ماند. (۱۱)» و (۱۲)

منابع:

۱- سپیده امید ، ص ۷۲ به نقل از تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۷۸

۲- کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۹۴

۳- همان، ص ۱۹۶

۴- همان، ص ۱۹۱

۵- همان، ص ۱۹۰

۶- برای اطلاع بیشتر، ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۳۹ و ج ۱۴، ص ۵۶۵

۷- نهج البلاغه، کلمات قصار

۸- سپیده امید ص ۷۶ به نقل از حکومت جهانی مهدی، مکارم شیرازی، با تلخیص بسیار

۹- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۷

۱۰- منتخب الاثر، ۷۱۲

۱۱- سالنامه مکتب تشیع، سال دوم، ص ۲۰-۲۱

۱۲- سپیده امید، کاوشی در مهدویت ج ۱ صص ۷۸-۷